

پتانسیل رشد بخش کشاورزی کشور رو به افول می رود / عواملی کاهش دهنده رشد کشاورزی در کشور غیرقابل مهار شده اند



پتانسیل رشد بخش کشاورزی کشور رو به افول می رود

عواملی کاهش دهنده رشد کشاورزی در کشور غیرقابل مهار شده اند



علاوه بر اهمیتی که کشاورزی و دامپروری برای حفظ امنیت ملی یک کشور دارد این صنعت می تواند ارز آوری بالایی برای اقتصاد کشور داشته باشد و از وابستگی آن به نفت بکاهد.

اولین نیاز هر انسانی تنفس هوا است و بعد از آن آب و غذا جزو مهم ترین نیازهای هر انسانی است. یعنی بدون هر یک از آن ها زندگی برای انسان به نوعی غیر ممکن خواهد شد. متأسفانه در کشور ما در هر سه نیاز اولیه با بحران مواجه هستیم. سال هاست که آلودگی هوا

و مشکل تنفسی گریبان بسیاری از شهرهای کشور را گرفته است.

به گزارش خبرنگار اقتصادی خبرگزاری موج، از آن جایی که کشور ما یک کشور نیمه خشک از لحاظ میزان بارش سالیانه محسوب می شود، از دیرباز مردم فلات ایران با کم آبی مواجه بوده اند به همین منظور راه های زیادی از جمله حفر چاه، ساخت قنات و کانال های زیر زمینی را برای حفظ منابع آبی در مناطق مختلف کشور ابدا کردند تا به خوبی بتوانند از منابع آبی بهره برداری کنند و بازدهی آن را بالا ببرند. مسئله بعدی بحران غذایی در کشور است که شاید کسی آن را جدی نگیرد اما با نگاهی به تاریخ معاصر کشور متوجه می شویم که این مسئله تا چه حد می تواند جدی باشد. در زمان جنگ جهانی اول، پس از اشغال ایران توسط کشورهای «اتفاق مثلث» تمام محصولات کشاورزی ایران توسط اشغالگران از کشور خارج شد که به واسطه آن در حدود ۹ میلیون ایرانی از گرسنگی جان خود را از دست دادند، یعنی چندین برابر بیشتر از کشته شدگان ایران در مدت ۸ سال جنگ تحمیلی. همین آمار تکان دهنده سبب شده بود تا در زمان هشت سال جنگ تحمیلی دولت وقت با کینی کردن برخی محصولات اساسی کشور را از بحران دور نگه دارد. البته این کشتار وحشتناک تنها قحطی نبود که جان ایرانیان را گرفت و با گذری در تاریخ متوجه می شویم که کمبود محصولات غذایی و عدم ذخیره سازی مواد غذایی توسط حکومت ها در کشورهای مختلف بارها سبب شده است تا تعداد زیادی از مردم جان خود را از دست دهند.

*امنیت غذایی نامطلوب کشور

به همین منظور شاخصی به نام ضریب امنیت غذایی تعریف شده که میزان ذخیره محصولات اساسی (غلات و گوشت) یک کشور را معرفی می کند. در کشورهای توسعه یافته همچون آمریکا، فرانسه، انگلستان، آلمان، ژاپن و ... این ضریب عددی بالای ۷ است و به این معنی است که این کشورها غذای مورد نیاز خود را حداقل تا ۷ سال ذخیره کرده اند. این عدد در مورد کشوری همچون چین که پرجمعیت ترین کشور دنیا است نزدیک ۳ است یعنی کشوری با جمعیت سرسام آور چین این توانایی را دارد تا به مدت ۳ سال مردم خود را سیر نگه دارد. متأسفانه به دلیل سیاست ها و برنامه های اشتباهی که در سالیان اخیر اتخاذ شد ضریب امنیت غذایی در ایران به طور میانگین به ۶ ماه رسید و حتی در برهه هایی همچون سال ۹۱ ذخیره غذایی کشور در حدود ۲ روز رسید که در نوع خود یک فاجعه محسوب می شد. البته همچنان کشور در بسیاری از محصولات اساسی وابسته به واردات است که این مسئله نوعی تهدید برای

امنیت ملی کشور محسوب می شود زیرا در صورت تحریم این اقلام بحرانی جدی گریبان ایران را می گیرد.

***کشاورزی جایگزین نفت**

علاوه بر اهمیتی که کشاورزی و دامپروری برای حفظ امنیت ملی یک کشور دارد این صنعت می تواند ارز آوری بالایی برای اقتصاد داشته باشد. به عنوان مثال کشور هند با وجود جمعیت یک میلیاردی در سال گذشته با صادرات مازاد تولید خود بیش از ۲۰۰ میلیارد دلار صادرات محصولات کشاورزی و دامی داشت که ۵۰ درصد از بودجه سالانه کشور ما بیشتر است و یا کشور کوچک و کم جمعیت ایسلند اقتصاد خود را متکی بر پرورش ماهی قرار داده و سالانه در حدود ۱۱ میلیارد دلار شیلات صادر می کند. این موارد در حالیست که صادرات محصولات غذایی در ایران تنها در حدود ۶ میلیارد دلار است که در مقایسه با سایر کشورها بسیار پایین است.

***وابستگی غذایی**

مشکل فعلی چندین دلیل دارد که بهتر است از آغاز ریشه آن را پیدا کنیم. بررسی های آماری نشان می دهد دولت های ایرانی در بدترین شرایط دست به واردات محصولات کشاورزی نزده و سعی داشته با اتکا بر تولیدات داخلی نیاز کشور را برآورده کنند. این وضعیت تا زمان انقلاب سفید (انقلاب شاه و مردم) ادامه داشت ولی با از بین رفتن سیستم ارباب- رأیتی بسیاری از کشاورزان نتوانستند محصولات کشت شده خود را به بازار مصرف عرضه کنند حتی خوار شمردن کشاورزان سبب شد تا بسیاری از آن ها که در روستا ها زندگی می کردند از روی ناچاری به شهرها مهاجرت کردند. کاهش ناگهانی محصولات کشاورزی سبب شد تا دولت وقت ایران برای اولین بار واردات محصولات اساسی کشاورزی را کلید بزند و پس از آن چرخه واردات به هیچ وجه قطع نشد. وابستگی ایران به محصولات اساسی کشاورزی سبب شده یکی از دغدغه های اصلی دولت ها در این سال ها تامین این محصولات برای مصرف داخلی باشد.

پس از پیروزی انقلاب نیز دلایلی چون عدم استفاده از دانش و تکنولوژی روز در صنعت کشاورزی و به تبع آن پایین آمدن بازده تولید تا این صنعت نتواند رشد چشمگیری داشته باشد و مشکلات همچنان پابرجا باشند. به عنوان مثال امروزه با اصلاح نژاد بازدهی محصولات کشاورزی و دامی در دنیا رو به افزایش است، به عنوان نمونه بذرهای اصلاح شده گندم با دو بار آبیاری و بدون نیاز به سمپاشی محصولی با

کیفیت و کمیت بالا تولید می کند که در نهایت به دلیل هزینه کم، نقدینگی بالایی برای کشاورز به همراه خواهد داشت. این وضعیت برای سایر محصولات کشاورزی و دامی صدق می کند که متأسفانه به دلیل عدم توجه لازم به این مسئله شاهد به صرفه نبودن کشاورزی و دامداری در بسیاری از موارد در کشور هستیم.

***عدم سیاست گذاری مناسب**

سیاست گذاری های اشتباه دولتمداران در صنعت کشاورزی نیز از دیگر موانع بر سر رشد این صنعت است. در کشورهایی که کشاورزی و دامپروری رشد خوبی داشته است دولت ها خوبی توانسته اند امور مربوط به آن را اداره کنند و با ملزم کردن کشاورزان به تولید محصولان براساس برنامه ها و خواسته های دولت، بازدهی را تا حد زیادی بالا برده اند و از کمبود و یا ازدیاد محصولی خاص جلوگیری می کنند اما در ایران وضعیت به شکل دیگری است؛ کشاورز بنا به صلاح دید خود هرچه خواست کشت می کند که در نهایت می بینیم یک سال سیب زمینی آنقدر زیاد می شود که رایگان بین مردم توزیع می شود و پیاز آن قدر کم می شود که کیلویی ۵۰۰۰ تومان به فروش می رسد، یک سال هم گوجه فرنگی زیاد می شود و سیب زمینی کمیاب.

از دیگر سیاست های اشتباه ورود سازمان ها و وزارت خانه های مختلف به بحث کشاورزی است. به عنوان مثال سه وزارتخانه نیرو، جهاد کشاورزی و صنعت در این بحث دخیل اند و عدم وجود هماهنگی میان آن ها بارها و بارها سبب بروز مشکل شده است به عنوان مثال وزارت نیرو اعلام می کند بیشتر آب کشور در کشاورزی مصرف می شود و کشاورزان و وزرات جهاد کشاورزی از توزیع نامناسب آب گلایه مندند. علی مراد اکبری معاونت آب و خاک وزارت کشاورزی در این رابطه به خبرنگار موج گفت: متأسفانه وزارت نیرو هر زمان که خود بخواهد آب پشت سد را به نام کشاورزان رها می کند در حالی که در بسیاری موارد کشاورزان نیازی به آن آب ندارند و برعکس مواقعی که کشاورزان نیازمند آب هستند آب سد ها رها سازی نمی شود. در زمان واردات و صادرات محصولات نیز میان وزارت کشاورزی و صنعت بارها و بارها ناهماهنگی هایی بوجود آمده که دلیل متضرر شدن کشاورزان در زمان برداشت محصولات است.

***تصرف زمین های کشاورزی**

علاوه بر این سازمان منابع طبیعی بارها با دخالت در زمین های تحت

کشت کشاورزان آن ها را تصاحب کرده و یا حتی با تصاحب برخی زمین های قابل کشت آن ها را بایر نگه داشته. یکی از کشاورزان استان مرکزی در این باره به خبرنگار اقتصادی خبرگزاری موج گفت: سالیان سال است که خانوادگی در این ۲۰ هکتار زمینی که داریم کشت می کنیم اما به ناگهان سازمان منابع طبیعی این زمین را به بهانه منابع ملی بودن از ما گرفت و الان به صورت بایر افتاده است. علاوه بر این زمین های بسیاری در سطح کشور وجود دارد که پتانسیل بالایی برای کشت و زرع دارند اما به دلایل مختلف و غیر منطقی بایر مانده اند در حالی که با کشاورزی در آن ها تولیدات بسیار بیشتر می شد.

در کل پتانسیل بالایی در کشور برای تولید محصولات کشاورزی، دامی و شیلات وجود دارد که می تواند وابستگی اقتصاد کشور به نفت را به حداقل برساند در حدود ۶۳ درصد زمین های کشور که استعداد کشاورزی دارند تاکنون دست نخورده باقی مانده اند و ۵۰ درصد از ظرفیت زمین های تحت کشت دست نخورده باقی مانده است. متأسفانه تاکنون از این فرصت استفاده نشده. امیدواریم در نهایت با برنامه ریزی مناسب و رفع ایرادات موجود صنعت کشاورزی به جایگاه واقعی خود دست پیدا کند.

امیرحسین چرای